

مفهوم امانت‌داری، گستره و کاربرد آن در اخلاق پزشکی اسلامی

اکبر آقاییانی چاوشی^۱

چکیده

امانت‌داری از اصول مهم اخلاقی است که در قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) نسبت به آن تأکید فراوان شده است. و هیچ عذری برای ترک آن پذیرفته نیست. امانت‌داری در اخلاق پزشکی اسلامی مصادیق فراوانی دارد، لیکن در تعامل کادر درمانی و بیمار، امانت‌داری نسبت به راز، ناموس و جان بیمار، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آموزه‌های اسلامی علی‌رغم تأکید فراوان بر ارزش اخلاقی رازداری به‌ویژه در حرفه پزشکی، افشای راز بیمار را در مواقع خاص، لازم و ضروری می‌داند. زیرا حفظ سلامتی بیمار و افراد جامعه در مواقعی با «رازداری مطلق» سازگاری ندارد. پاک‌چشمی و عفت نیز از ضروری‌ترین ملاحظات اخلاقی در حرفه پزشکی است که بدون پایبندی به آن نمی‌توان از فضیلت و شرافت پزشکی سخن به میان آورد. و بالاخره، مراقبت از جان بیمار و سعی و کوشش در جهت بهبودی وی از وظایف اصلی پزشکان و کادر درمانی است که آنان را از هرگونه تعلل و سهل‌انگاری در مداوای بیمار بر حذر می‌دارد.

کلیدواژه‌ها

امانت‌داری، اخلاق پزشکی، راز بیمار، ناموس بیمار، جان بیمار.

طرح مساله

الف) مفهوم شناسی واژه «امانت»

امانت در لغت ضد خیانت (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۱/۱۳) و به معنای اعتماد نمودن است. (فیروزآبادی، ۱۴۰۳: ۱۹۷/۴) امانت را از این جهت امانت می‌نامند که کسی مال خود را در جای امنی قرار می‌دهد تا از هر گونه آسیبی در امان بماند. امانت دار و امین بودن مؤمنان نیز بدین معناست که مأمّن اموال و محرم اسرار مردم اند. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۱۵/۱۹)

«خیانت» در اصل به معنای خود داری از پرداخت حقی است که انسان پرداختن آن را تعهد کرده و آن ضد «امانت» است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۱۷۳/۷) راغب اصفهانی می‌گوید: «خیانت و نفاق یکی است، ولی خیانت در شکستن پیمان و امانت استعمال می‌شود و نفاق به اعتبار خلاف در دین به کار می‌رود». (راغب اصفهانی، ۱۴۲۳: ۱۶۹)

خیانت در امانت از زشت‌ترین رذایل اخلاقی است.^۱ که در آموزه‌های اسلامی از آن منع شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر او خیانت نکنید و [نیز] در امانتهای خود خیانت نورزید و خود می‌دانید [که نباید خیانت کرد]».^۲

ب) امانت‌داری در آموزه‌های اسلامی

امانت‌داری از جمله اصول مهم اخلاقی است که در قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) در باره آن تاکید فراوان شده است. قرآن به صراحت در باره امانت‌داری می‌فرماید: «خدا به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آن‌ها باز پس دهید».^۳ آیات دیگر قرآن، امانت‌داری را از اوصاف مؤمنان و نمازگزاران حقیقی به شمار آورده می‌فرماید: «و آنان کسانی هستند که امانت‌ها و پیمان‌هایشان را رعایت می‌کنند».^۴ رسول اکرم (ص) نیز می‌فرماید: از صفات مؤمن این است که نسبت به امانت‌ها امین است.^۵

اهمیت امانت‌داری در اسلام به حدی است که هیچ عذری برای ترک آن پذیرفته نیست. و امانت‌دار باید در هر حال و در هر شرایط امانت را به صاحب آن هر کس که باشد باز پس دهد و در آن خیانت نورزد. امام علی (ع) در اهمیت ادای امانت فرموده است: «امانت را به صاحبانش باز

^۱ - قال علی (ع): «أَقْبَحُ الْأَخْلَاقِ [الْخَلْقِ] الْخِيَانَةُ». (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۶۰)

^۲ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (انفال: ۲۷).

^۳ - «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...» (نساء: ۵۸).

^۴ - «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مؤمنون: ۸، معارج: ۳۲).

^۵ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ... آمِينًا عَلَى الْأَمَانَاتِ» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۱۰/۶۴).

پس دهید اگر چه قاتلان فرزندان پیامبران (ع) باشند»^۱. نظیر چنین حدیثی از امام زین العابدین (ع) نقل شده است که آن حضرت فرمود: «به باز پس دادن امانت توجه کنید، سوگند به خداوندی که محمد (ص) را به حق به پیامبری برانگیخت هرگاه قاتل پدرم حسین بن علی (ع) همان شمشیری که پدرم را با آن کشت به من امانت دهد، آن را به او باز پس خواهیم داد»^۲. ادای امانت از حوق بین المللی اسلام است و همانند تکالیف عبادی نیست که عمل به آن در حوزه اسلامی بر مسلمانان لازم باشد. ادای امانت همانند احترام به والدین است که در این وظیفه نه مسلمان بودن شرط است و نه کافر بودن مانع است. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۳۴/۱۹)

خیانت در امانت

انسان اگر امانتی را قبول نکرده باشد، در قبال آن نیز مسؤولیتی ندارد. اما وقتی امانتی را پذیرفت، باید با تمام امکاناتی که دارد از آن مراقبت و محافظت نماید. و اگر در حفظ امانت سهل انگاری و کوتاهی کند و موجب تباهی آن شود، در امانت خیانت کرده است و خیانت در امانت در هیچ مکتب و مذهبی پذیرفته نیست. در مباحث فقهی امانت نیز بر این نکات تأکید شده است: «اولاً کسی که قادر به حفظ امانت نیست، نباید امانت را قبول کند. ثانیاً اگر پس از قبول امانت در اثناء کار از نگهداری آن عاجز شود و خوف نابودی آن را بدهد، واجب است امانت را بر گرداند. ثالثاً پس از قبول امانت باید تمام مقدماتی را که حفظ و اداء امانت به آن نیاز دارد حاصل کند» (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۶: ۲۲۵-۲۲۶) خیانت در امانت در همه جوامع به‌ویژه در جامعه اسلامی آثار زیانبار بسیاری در پی دارد که از جمله آن‌ها رواج بی‌اعتمادی در میان افراد جامعه است. حاکم شدن فضای بی‌اعتمادی نسبت به یکدیگر شیرازه زندگی سالم اجتماعی را از بین می‌برد، و افراد جامعه را گرفتار رذیلت‌های اخلاقی بسیاری مانند: سوء ظن، تردید و نفاق می‌نماید. پیامبر اکرم (ص) در تقبیح صفت ناپسند خیانت در امانت، می‌فرماید: «کسی که در امانت خیانت کند از ما نیست»^۳. و در حدیث دیگر خیانت در امانت را از نشانه‌های نفاق به شمار آورده می‌فرماید: «نشانه منافق سه چیز است: هنگام سخن دروغ می‌گوید، و زمانی که وعده می‌دهد تخلف می‌کند و هنگامی که امانتی به وی سپرده شود خیانت می‌نماید»^۴. آثار تخریبی خیانت در امانت

^۱ - قال علی (ع) : «أَدُوا الْأَمَانَةَ وَ لَوْ إِلَى قَاتِلِ وَ لِدِ الْأَنْبِيَاءِ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۳۳/۵).

^۲ - عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ سَيِّدَ الْعَابِدِينَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) يَقُولُ لِشَيْبَتِهِ:

«عَلَيْكُمْ بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ فَوَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ أَنَّ قَاتِلَ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عِائْتَمَنِي عَلَى السَّيْفِ الَّذِي قَتَلَهُ بِهِ لَأَدَيْتُهُ إِلَيْهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۹/۷۵).

^۳ - قال رسول الله (ص) : «لَيْسَ مِنَّا مَنْ خَانَ بِالْأَمَانَةِ» (طبرسی، ۱۳۸۵: ۵۲).

^۴ - قال رسول الله (ص) : «عَلَامَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا اتَّخَذَ خَانَ»

به حدی است که اسلام به شخصی که در امانت وی خیات شده است اجازه مقابله به مثل با شخص خیانت‌کار را نمی‌دهد. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «به کسی که در حق تو خیانت کرده است خیانت نکن زیرا که تو همانند او خواهی شد».^۱ امام باقر(ع) نیز در نصایح خود به جابر جعفی می‌فرماید: «اگر دیگران در حق تو خیانتی مرتکب شدند، تو نسبت به آنان خیانت نکن».^۲

امانت‌داری در حرفه پزشکی

مراعات بایسته‌های اخلاقی در مشاغل، از انتظارات مسلم و انکار ناپذیر جوامع انسانی است. لیکن پایبندی به اصول اخلاقی در برخی از مشاغل، اهمیت و ضرورت بیشتری دارد، که حرفه پزشکی از جمله آن‌ها است.

تنبیدگی فضایل اخلاقی با حرفه پزشکی از دیرباز بدان قداست و شرافت ویژه بخشیده است، زیرا پزشک به اقتضای حرفه‌ای که دارد، امانت‌دار جان، مال و ناموس بیمار به‌شمار می‌رود. امانت‌داری از مهم‌ترین اصول اخلاق حرفه‌ای است. چنان‌که امام علی (ع) در فضیلت آن می‌فرماید: «خداوند صاحب حرفه امانت‌دار را دوست می‌دارد».^۳ این اصل اخلاقی در پزشکی مصادیق فراوانی دارد که از جمله آن‌ها امانت‌داری در قبال اموال عمومی (امکانات و تجهیزات درمانی) و منابع انسانی (پزشکان، پرستاران، شاغلین در بخش‌های درمانی، دانشجویان در حال تحصیل و بیماران) است. لیکن به دلیل اهمیت امانت‌داری نسبت به راز، ناموس و جان بیمار، در این نوشتار بر این سه موضوع تأکید شده است.

امانت‌داری نسبت به راز بیمار

آموزه‌های اسلامی، سلامتی را از برترین نعمت‌ها برای انسان به‌شمار آورده،^۴ و نسبت به حفظ و مراقبت آن تأکید فراوان نموده است. از این‌رو لازم است فرد بیمار برای به‌دست آوردن سلامتی خود و بهره‌بردن از نعمت زندگی، پزشک را قابل اعتماد و محرم اسرار دانسته، درد و رنج بیماری خویش را با وی در میان گذارد، تا پزشک بتواند به کمک اطلاعات و شرح حالی که از بیمار به‌دست می‌آورد نسبت به تشخیص بیماری و درمان وی اقدام نماید. امام علی (ع) می‌فرماید: «کسی که درد درون خویش را پنهان کند، پزشک از درمان وی ناتوان می‌شود».^۵ و

(نوری، ۱۴۰۸: ۱۴/۱۳).

^۱ - قال رسول الله (ص): «لَا تَخُنْ مَنْ خَانَكَ فَتَكُونَ مِثْلَهُ» (همان: ۱۴).

^۲ - قال الباقر (ع): «وَأَنْ خَانُوكَ فَلَا تَخُنْ» (حرانی، ۱۴۰۴: ۲۸۴).

^۳ - قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْمُخْتَرِفَ الْأَمِينِ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۵/۱۱۳).

^۴ - قال علی (ع): «الصحة أفضل النعم» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۸۳).

^۵ - «مَنْ كَتَمَ مَكْنُونًا دَائِهِ عَجَزَ طَبِيبُهُ عَنْ شِفَائِهِ» (همان: ۴۸۴).

نیز می‌فرماید: «کسی که بیماری خود را از پزشکان مخفی بدارد، به جسم خود خیانت کرده است»^۱.

اطلاعاتی که بیمار داوطلبانه در اختیار پزشک قرار می‌دهد گاهی به‌حدی خصوصی و محرمانه است که نزدیکترین افراد خانواده همچون همسر، فرزندان، پدر و مادر وی سال‌ها از آن‌ها بی‌اطلاع هستند، ولی پزشک به دلیل شرایط شغلی به‌سهولت از آن‌ها مطلع می‌شود. علاوه بر این، پزشک درحین معاینه و درمان نیز مطالب محرمانه بسیاری را در باره بیمار به‌دست می‌آورد که مجموعه این اطلاعات اسرار بیمار تلقی می‌شوند و باید از افشای آن‌ها خودداری به‌عمل آید. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «مطالب خصوصی و محرمانه در مجالس، امانت است. و فاش ساختن راز برادرت خیانت، از آن دوری کن»^۲. افشای اسرار بیماران علاوه بر آن که موجب هتک حرمت آنان می‌شود، ممکن است مشکلات اجتماعی فراوانی را برای آنان و یا دیگران فراهم سازد. از این رو وظیفه اخلاقی جامعه پزشکی آن است که همواره در محافظت اسرار بیماران کوشش نماید. زیرا از جمله آسیب‌های جدی و خطرناک افشای اسرار بیماران توسط پزشکان و کادر درمانی، سلب اعتماد مردم از جامعه پزشکی و خدشه‌دار شدن قداست حرفه پزشکی است. و اگر اعتماد مردمی از بین برود افراد از مراجعه به موقع و پیشگیرانه به پزشک خودداری می‌کنند و یا در صورت مراجعه اطلاعات کامل و صحیح را که برای اعاده سلامتی آنان مؤثر است در اختیار پزشک قرار نمی‌دهند و در نتیجه سلامتی خود و دیگر افراد جامعه را به خطر می‌اندازند.

علی‌رغم اهمیت و ضرورت حفظ اسرار بیماران، متأسفانه در مراکز درمانی اعم از بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها و مطب‌های خصوصی، ساز و کار مناسب و تعریف شده‌ای برای حفظ و نگهداری اسناد و مدارک پزشکی بیماران وجود ندارد و در نتیجه پرونده‌های پزشکی و سوابق بیماران، که بخش مهمی از اسرار آنان است، در اختیار منشی‌ها، کارکنان بایگانی، مراکز بیمه و ... قرار داده می‌شود و دلیل این نابسامانی‌ها توسعه مراکز خدمت‌رسانی، کثرت بیماران، کمبود پزشک و موضوعاتی از این قبیل قلمداد می‌شود. لیکن دلیل واقعی وضع موجود، سهل‌انگاری و اهمیت ندادن به موضوع مهم رازداری در حرفه پزشکی است.

ضرورت مراقبت از راز بیمار در معاینات پزشکی

بسیاری از بیماران تمایل ندارند حریم خصوصی آنان توسط پزشکان و کادر درمانی نادیده

^۱ - «من کتم الأطباء مرضه خان بدنه» (همان).

^۲ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَا أَبَا ذَرٍّ الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ وَ إِفْشَاءُ سِرِّ أَخِيكَ خِيَانَةٌ فَاجْتَنِبْ ذَلِكَ» (نوری، ۱۴۰۸: ۳۹۸/۸).

گرفته شود. از این رو مایل نیستند در حضور دیگران از علائم بیماری خود سخن بگویند. این حق مسلم بیمار نیز گاهی در برخی از مراکز درمانی نادیده گرفته می‌شود، و آن هنگامی است که برخی از پزشکان به ویژه پزشکان متخصص که باید با دقت بیشتر بیماران را تحت معاینه قرار دهند، تعدادی از بیماران اعم از زن و مرد را همزمان در اتاق معاینه به انتظار می‌نشانند، و در حضور آنان از بیمار مورد معاینه، در باره علائم بیماری و درد و رنج‌های وی سؤال می‌کنند، در حالی که بسیاری از پاسخ‌های بیمار، مطالبی شخصی و محرمانه است که تنها پزشک باید از آن‌ها با خبر شود.

نمونه دیگر در این زمینه، معاینات پزشکی رایج در درمانگاه‌ها و بیمارستان‌های مراکز آموزش پزشکی است، که بیمار در حضور دانشجویان و دستیاران غیر همگن مورد معاینه و سؤال و جواب قرار داده می‌شود. این گونه رفتارها که حریم خصوصی بیمار را نادیده گرفته است، با اخلاق پزشکی اسلامی قابل توجیه نیست.

رازداری مطلق و نسبی

آن چه در آثار پزشکان دوره‌های گذشته به چشم می‌خورد بحث از «رازداری مطلق» و تأکید بر پابندی به آن است و از افشای راز بیماران توسط پزشک در مواقع لزوم و در حد ضرورت سخنی به میان نیامده است.

در جامعه پزشکی امروز جهان علی‌رغم حمایت جمعی از اندیشمندان و صاحب‌نظران از «رازداری مطلق»، بسیاری از پزشکان از «رازداری نسبی» حمایت می‌کنند. و آن را از جمله وظایف جامعه پزشکی به‌شمار می‌آورند.

آموزه‌های اسلامی علی‌رغم تأکید فراوان بر ارزش اخلاقی رازداری به ویژه در حرفه پزشکی، در مواقع خاص، افشای راز بیمار را لازم و ضروری می‌داند. زیرا «رازداری مطلق» در شرایط خاص، منافع بیمار و نزدیکان وی و دیگر افراد جامعه را به خطر می‌اندازد. از این رو می‌توان گفت حفظ سلامتی بیمار و افراد جامعه در مواقعی با «رازداری مطلق» سازگاری ندارد و بر خلاف رسالت پزشکی به‌شمار می‌رود.

شرایط افشای راز بیمار

اگر چه بر مبنای اصل اخلاقی «امانت داری» حفظ اسرار بیماران لازم است، لیکن در موارد زیر برای حفظ منافع بیمار و مصالح اجتماعی، افشای اسرار بیماران منع اخلاقی ندارد. به شرط آن که راز بیمار به میزان ضرورت در اختیار افراد و یا مراکز ذی‌صلاح قرار داده شود و آنان نیز اصل رازی‌داری را مراعات نمایند.

الف) مصلحت و منافع بیمار:

پزشک با در نظر گرفتن معیارهای عقلی و شرعی می‌تواند اسرار بیمار را به میزان

ضرورت در اختیار فرد، افراد، سازمان‌ها و مراجع ذی‌صلاح قرار دهد تا بدین وسیله مصلحت و منافع بیمار را تأمین نماید. مانند این که به قصد تشخیص بیماری و یا درمان بیمار، پرونده پزشکی وی را با پزشک دیگر و یا شورای پزشکی در میان بگذارد.

(ب) مصلحت و منافع اطرافیان بیمار:

اگر بیماری شخص به گونه‌ای باشد که سلامتی همسر، فرزندان و نزدیکان وی را در معرض خطر حتمی قرار دهد، پزشک می‌تواند اسرار بیمار را فاش سازد. مانند این که شخصی به بیماری‌های خطرناک مَسری مبتلا شده باشد.

(ج) مصلحت و منافع افراد جامعه:

اگر شخصی به بیماری‌های مَسری خطرناک و یا بیماری‌های روحی و روانی مبتلا شده باشد، به طوری که عدم اطلاع مراجع ذی‌صلاح از وضعیت بیماری وی سلامتی افراد جامعه را با خطر جدی مواجه سازد، پزشک مجاز است راز بیمار را فاش نموده، مسؤولین بهداشتی و مراجع ذی‌صلاح را از شرایط بیمار با خبر سازد. نمونه‌ها و مصادیق این قسم فراوان است. فرض کنید آموزگار، مستخدم و یا پرستاری به بیماری سِل مبتلا شده باشد و بخواهد در دوره سرایت بیماری برخلاف دستور پزشک به کار خود ادامه دهد. در این شرایط پزشک نباید خود را ملزم به حفظ اسرار بیمار بداند، زیرا افراد بی‌شماری در معرض بیماری قرار خواهند گرفت و جان بسیاری به خطر خواهد افتاد، که این عمل بر خلاف اصول اخلاق پزشکی است.

(د) شرایط دیگری نیز قابل تصور است که پزشک مجاز است راز بیمار را در آن شرایط فاش سازد. فرض کنید اثبات بی‌گناه بودن پزشک در دادگاه منوط به افشای راز بیمار است، در این حالت پزشک می‌تواند در دفاع از خود، راز بیمار را فاش نماید. و از این قبیل است افشای راز بیمار توسط پزشک برای کشف حقیقت و دفاع از محکومیت فرد یا افراد بی‌گناهی که پرونده آنان در دادگاه در حال رسیدگی است.

ذکر تشخیص بیماری و علت مرگ بیمار برای مراجع ذی‌صلاح، در برگه گواهی فوت، از دیگر مواردی است که پزشک مجاز به اقدام آن است.

ملاحظه اخلاقی در افشای راز بیمار

از جمله ملاحظات آنکه می‌تواند به طور محسوس مشکلات روحی و روانی بیمار را به هنگام ضرورت افشای راز بیماری وی با فرد یا افراد دیگر کاهش دهد، توجیه منطقی و قانع کردن او است. از این رو پزشک یا فردی که در صدد قانع کردن بیمار است، باید در برقراری ارتباط سازنده با بیمار از مهارت کافی برخوردار باشد. و متناسب با نیاز بیمار، وقت کافی برای اقناع اخلاقی وی اختصاص دهد. زیرا تجربه نشان داده است که اتخاذ این‌گونه روش‌ها در کاهش مقاومت بیماران مؤثر بوده و آنان را به در میان گذاردن راز بیماری خود با نزدیکان و یا

افراد ذی‌صلاح دیگر متمایل و راضی ساخته است.

گاهی پزشک در حین معاینه و انجام آزمایش‌های تشخیصی فرد بیمار، اطلاعاتی در باره نوع بیماری و پیشرفت آن به دست می‌آورد که بیمار و نزدیکان وی از آن‌ها بی‌اطلاع هستند. مانند این که فرد مورد معاینه به بیماری صعب‌العلاج و یا لاعلاجی مبتلا شده باشد. در این گونه موارد وظیفه اخلاقی پزشک چیست؟ آیا باید این‌گونه اخبار ناگوار را که مربوط به حریم شخصی بیمار است با وی و یا افراد نزدیک به وی در میان بگذارد؟ و یا این که حقیقت را کتمان نماید؟ در باره حقیقت‌گویی و انتقال خبر بد به بیمار، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. اصل (اختیار فردی) بیان حقیقت به بیمار را در جوامع غربی قابل پذیرش نموده است. اما در بسیاری از جوامع شرقی به علت اولویت اصل (عدم ضرر) نسبت به (اختیار فردی)، کتمان حقیقت بیماری امری رایج است. (زاهدی و لاریجانی، ۱۳۸۹: ۵) به نظر می‌رسد هیچ‌یک از دو دیدگاه به طور مطلق پاسخگوی سؤال ما نیست، زیرا افراد بیمار از نظر روحی و اعتقادی در شرایط یکسان نیستند تا پزشک و یا کادر درمانی بتوانند برای آنان دستورالعمل واحدی را تجویز نمایند. برخی از بیماران از ایمان و عقیده‌ای مستحکم برخوردارند، از این‌رو می‌توانند خبر ناگوار را تحمل نموده با آن کنار بیایند. اما برخی دیگر شرایط روحی و روانی لازم برای شنیدن و پذیرش خبر بد را ندارند، و انتقال خبر های نگران کننده و ناگوار، امید آنان را به بهبودی و ادامه حیات کاهش داده، بر وخامت حالشان خواهد افزود. براین اساس می‌توان نتیجه گرفت که در نظر گرفتن شرایط روحی و روانی بیمار و اطرافیان وی در این‌گونه مواقع می‌تواند در اتخاذ تصمیم صحیح کادر درمانی کارگشا باشد. و اما آن‌چه آموزه‌های اسلامی در این شرایط بر آن تأکید دارد، تقویت روحیه بیمار و افزایش دادن امید وی به لطف و رحمت الهی است. زیرا بزرگترین بلا برای انسان ناامیدی است،^۱ و یأس و ناامیدی موجب مرگ انسان می‌شود.^۲ البته اطلاع بیمار از روزهای پایانی حیات خویش، فرصت مناسبی را برای جبران مافات، رد امانات، رفع کدورت‌ها و حلالیت طلبی برای وی فراهم می‌سازد (همان).

امانت داری نسبت به ناموس بیمار

از دیگر مصادیق امانت داری در حرفه پزشکی امانت داری نسبت به ناموس بیمار است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «امانت‌دار، امین شمرده نمی‌شود مگر آن که سه امانت را پاسداری و حفاظت نماید: اموال، اسرار و نوامیس. و اگر دو امانت را حفاظت کند و در یکی خیانت بورزد،

^۱ - قال علی (ع): «أعظم البلاء انقطاع الرجاء» (آمدی، ۱۳۶۶: ۸۳).

^۲ - و قال (ع): «قتل القنوط صاحبه»، (همان).

امین شناخته نمی‌شود.^۱ پاک چشمی و عفت از ضروری‌ترین ملاحظات اخلاقی در حرفه پزشکی است که بدون پایبندی به آن نمی‌توان از فضیلت و شرافت پزشکی سخن به میان آورد. اگر چه در سوگند نامه‌های پزشکی نسبت به پایبندی بر این فضیلت اخلاقی تأکید فراوان شده است، لیکن در عصر حاضر یکی از معضلات اخلاقی در مراکز درمانی، برقراری روابط نامشروع و سوء استفاده‌های جنسی مابین کادر درمانی و بیماران است. که باید از شیوع آن با التزام عملی به آموزه‌های اسلامی جلوگیری به عمل آید.

قرآن کریم در باره ضرورت پایبندی مؤمنان به عفت و پاکدامنی می‌فرماید: «به مردان با ایمان بگو: دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند، که این برای آنان پاکیزه‌تر است، زیرا خدا به آنچه می‌کنند آگاه است.»^۲ عفت و پاکدامنی علاوه بر آن که انسان را از انحرافات اخلاقی مصون می‌دارد، جامعه اسلامی را نیز از غلطیدن در منجلاب بی بند و باری و فساد جنسی نجات می‌دهد. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «نسبت به زنان مردم عفت و پاکدامنی پیشه کنید، تا زنان شما عییف و پاکدامن باشند».^۳ خویشنداری در مقابل گناه علاوه بر آن که بار لغزش‌ها و گناهان انسان را کاهش می‌دهد، قدر و منزلت وی را در پیشگاه خداوند بالا می‌برد.^۴ تا جایی که اجر و پاداشی همانند مجاهد شهید و مقامی همچون فرشتگان الهی به دست آورد.^۵ زیرا که برترین عبادت‌ها پاکدامنی و عفاف است.^۶ از این رو امانت‌داری از ناموس بیماران همانند امانت‌داری از جان و مال آنان برای پزشکان و دستیاران ایشان امری ضروری است، که باید با تقویت ایمان به خداوند و کسب تقوا، تحقق یابد.

^۱ - قال الصادق (ع): «لَا يَكُونُ الْأَمِينُ أَمِينًا حَتَّى يُؤْتَمَنَ عَلَى ثَلَاثَةِ فَيُؤَدِّيَهَا عَلَى الْأَمْوَالِ وَالْأَشْرَارِ وَالْقُرُوجِ وَإِنْ حَفِظَ اثْنَيْنِ وَصَيَّعَ وَاجِدَةً فَلَيْسَ بِأَمِينٍ» (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۱۵).

^۲ - «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ». نور، ۳۰.

^۳ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «عَفُوا عَنْ نِسَاءِ النَّاسِ تَعَفَّ نِسَاؤُكُمْ» (صدوق، ۱۴۰۳: ۵۵/۱).

^۴ - قَالَ عَلِيٌّ (ع): «مَنْ عَفَّ خَفَّ وَزُرُّهُ وَعَظُمَ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرُهُ». (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۵۶).

^۵ - قَالَ عَلِيٌّ (ع): «مَا الْمَجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمَ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ قَعْفَ لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ»، مجاهد شهید در راه خدا اجرش بیشتر از کسی نیست که قدرت بر گناه دارد اما خویشنداری می‌کند. چنین شخص خویشندار نزدیک است فرشته‌ای از فرشتگان خدا شود (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴).

^۶ - كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): «يَقُولُ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعَفَافُ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۷۹/۲).

راهکار عملی و مهم دیگری که می‌تواند در کنار کسب تقوا، از بروز روابط نامشروع در مراکز درمانی کشور به طور محسوس جلوگیری کند و زمینه سلامت اخلاقی را برای بیماران و کادر درمانی فراهم سازد، اهتمام ویژه مسؤولان نظام بهداشت و درمان کشور نسبت به تربیت دانشجویان زن مورد نیاز در تمام رشته‌ها و تخصص‌های پزشکی و پرستاری و به‌کارگیری آنان در مراکز درمانی است. زیرا زمینه بسیاری از ناهنجاری‌های اخلاقی در مراکز درمانی، در اثر تماس پزشکان و کادر درمانی با بیماران غیر همگن در مراحل معاینه و درمان به وجود می‌آید. و کارآمدترین راهکار برای رفع این نقیصه در نظام اسلامی جامعه عمل پوشیدن به راهکار مورد اشاره و احیا و اجرای قانون فراموش شده انطباق است.^۱

امانت‌داری نسبت به جان بیمار

از دیگر مصادیق امانت‌داری در حرفه پزشکی امانت‌داری نسبت به جان بیماران است. مراقبت از جان بیماران و سعی و کوشش در جهت بهبودی آنان از وظایف اصلی پزشکان و دیگر شاغلین در حرفه پزشکی است.

پزشک باید از هرگونه تعلل و سهل‌انگاری در مداوای بیماران خود داری کند و هنگامی که از تشخیص نوع بیماری و یا درمان بیمار ناتوان می‌شود، بدون فوت وقت، با کمال صداقت موضوع را با بیمار و یا همراهان وی در میان بگذارد و راه درمان بیمار را توسط پزشکان متخصص و کارآموده دیگر هموار سازد.

نتیجه‌گیری

از آن‌چه گفته شد معلوم می‌شود که اهمیت و حساسیت امانت‌داری در حرفه پزشکی بیش از دیگر حرفه‌ها است. زیرا شاغلان در این حرفه، با مال، جان و آبروی انسان که اشرف مخلوقات عالم است، سر و کار دارند، مسؤولیت خطیر و با ارزشی که باید برای موفقیت در انجام

^۱ - در اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۷ قانون انطباق امور اداری و فنی مؤسسات پزشکی با موازین شرع مقدس در مجلس شورای اسلامی مطرح و در دهم همان سال به تصویب رسید و برای اجرا به دولت ابلاغ شد. ماده یک این قانون، کلیه مراکز درمانی کشور اعم از بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، مطب‌های پزشکان و ... را مشمول این قانون و موظف به رعایت مقررات آن دانسته است. لکن پس از گذشت قریب به پانزده سال از تصویب و ابلاغ قانون مذکور متأسفانه در اکثر مراکز درمانی کشور مفاد آن اجرا نمی‌شود و مشکلات و موانع عدم مراعات موازین اخلاقی و شرعی همچنان دامنگیر مراکز درمانی است.

آن، از خداوند استمداد طلبید، و ایمان و تقوا را افزایش داد. زیرا سهل‌انگاری‌ها و خطاهای پزشکی، گاه جبران‌ناپذیر است.

نکته دیگری که این نوشتار بر آن تأکید دارد، اهتمام جهادی مسؤولان وزارت بهداشت و درمان کشور، نسبت به تربیت نیروهای متخصص و با ایمان زن در تمامی رشته‌های پزشکی و پرستاری مورد نیاز، در دانشگاه‌های علوم پزشکی است. تا با اشتغال آنان در مراکز درمانی، قانون تصویب شده و فراموش شده‌ی انطباق، بعد از گذشت قریب به پانزده سال احیا و در تمام مراکز درمانی کشور اجرایی شود. و جامعه پزشکی با پایبندی به اصول اخلاق پزشکی اسلامی به ویژه اصل امانت‌داری، بتواند از شرافت و قداست دیرین خود پاسداری کند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه (۱۳۷۹). ترجمه: محمد دشتی، قم، نشر الهادی، چاپ ششم.
۳. آمدی، عبد الواحد (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ سوم.
۶. حرانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴). تحف العقول، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول.
۸. راغب اصفهانی، ابی القاسم حسین بن محمد (۱۴۲۳). المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربیه، چاپ اول.
۹. زاهدی، فرزانه و لاریجانی، باقر (۱۳۸۹). گفتن حقیقت به بیمار در فرهنگ‌های مختلف و بیان دیدگاه‌های اسلام، ویژه نامه حقوق بیمار، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، شماره ۱، سال سوم.
۱۰. صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین (۱۴۰۳). الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۱۱. طبرسی، ابوالفضل علی بن حسن (۱۳۸۵). مشکاة الأنوار، نجف، کتابخانه حیدریه.
۱۲. فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۸۶). اخلاق حرفه ای در تمدن ایران و اسلام، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول.
۱۳. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۳). القاموس المحيط، بیروت، دارالفکر.
۱۴. کلینی، ابو جعفر محمد (۱۳۶۵). الاصول من الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، جلد‌های ۲، ۵ و ۷.
۱۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و هشتم.
۱۷. نوری، حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، جلد‌های ۸ و ۱۴.